

بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه

علیرضا محسنی تبریزی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

سعید معیدفر، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

فاطمه گلابی*، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

اعتماد اجتماعی یکی از مفاهیم مهم و حیاتی در علوم اجتماعی و عاملی در جهت تعامل بین افراد نسل‌های مختلف در جامعه است. در عین حال، اعتماد می‌تواند روابط بین افراد را در سطوح خرد و کلان تسهیل نماید. هدف از این تحقیق، بررسی مقایسه‌ای اعتماد اجتماعی نسل‌های مختلف و عوامل موثر بر آن می‌باشد. این تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار تحقیق پرسشنامه بوده و در بین 670 نفر از افراد 15 سال به بالا در سطح شهر تبریز به اجرا گذاشته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی نسل‌های سه‌گانه (نسل قبل از جنگ و انقلاب، نسل جنگ و انقلاب و نسل بعد از انقلاب و جنگ) تفاوت معناداری وجود دارد. براساس نتایج تحقیق اعتماد اجتماعی نسل‌ها، آزارزایی نسل‌ها از انسجام‌هنجاری و نهادی در جامعه و تجربه‌های نسلی متأثر می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: اعتماد، اعتماد اجتماعی، نسل، تجربه عینی، تجربه ذهنی، انسجام‌هنجاری، انسجام نهادی-سیاسی

مقدمه

و در جریان تعاملات اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد و گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد نظم و همبستگی اجتماعی و نیز حفظ آنها بر عهده دارد. در عین

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است

سیاست‌های پیش‌بینی شده دولت و نهایتاً عدم اعتماد نسل‌های مختلف به دولت می‌تواند باشد (همان منبع: ۱۴۶)

از دیدگاه اندیشمندانی مانند مانهایم و ارتگا، تضادها و عدم تداوم‌های نسلی کژکارکردهایی در فرآیند اجتماعی شدن محسوب می‌شود. نظریه پردازان نسلی، به تفاوت و عدم تداوم در تجربه‌های فرهنگی جوانان اعتقاد دارند و تجارب مربوط به نسل تاریخی جوانان را عامل تمایز دهنده آنها از نسل‌های دیگر می‌بینند (ذکایی ۱۳۸۸: ۳۲). براساس رویکرد نسل تاریخی مانهایم، هر نسلی تجارت منحصر به فردی دارد که این تجارب به او هویت می‌بخشد و گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش را تشکیل می‌دهد. (توکل و قاضی‌نژاد ۱۳۸۵).

در مورد تصور نسل‌های مختلف از فضای اخلاقی جامعه، طبق تحقیق غلامرضا کاشی و گودرزی مشاهده می‌شود که نسل جوان بعد از جنگ بویژه نسل دارای خاطره جنگ بیش از سایر نسل‌ها بدبین است. بطور کلی کمتر از ۲۰ درصد افراد بر این باورند که در چشم انداز آتی، ارزشهای مثبت رشد خواهند کرد درحالی‌که ۶۰ درصد افراد گمان می‌کنند که افق آتی به سمت کاسته شدن از ارزشهای مثبت و رشد ارزشهای منفی پیش خواهد رفت (کاشی و گودرزی ۱۳۸۶: ۲۷۳).

از سوی دیگر با توجه به آمارها و شواهد در جرایم، رسانه‌ها و نتایج تحقیقات صورت گرفته بر روی ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های فرهنگی سیاسی و اقتصادی در سطح کشور شاید به جرأت بتوان گفت که یکی از عوامل مؤثر در این نابسامانی‌ها، نبود فرهنگ اعتماد در سطح جامعه در بین مردم بوده است.

حال، اعتماد اجتماعی، از عناصر مهم در پذیرش و همدلی اجتماعی محسوب می‌شود و درعین حال، بستر ساز تعاملات اجتماعی و کانون مفهوم سرمایه اجتماعی است. از نظر زتومکا (۱۳۸۴)، فرهنگ اعتماد، بیش از هر نظام سیاسی دیگر، در نظام دموکراتیک محقق می‌گردد. فرهنگ اعتماد در این نظام، عمدتاً بر پایه دو معیار "پاسخگویی" و "تعهد و التزام پیشین" بنیان گذاشته می‌شود.

از سوی دیگر باید گفت، نسل‌ها سازنده جامعه هستند، رشد نسل‌ها از درون خانواده شروع شده و می‌تواند در قالب ساختارهای حکومتی تداوم داشته باشد. نسل‌ها در درون جامعه در تعامل با همدیگر از ابزارهای مختلف سود می‌جویند و یکی از این ابزارها، اعتماد است. اعتماد اجتماعی در بین نسل‌های مختلف می‌تواند به عنوان امری میانجی عمل کند و آنها را به سوی توافق سوق دهد و یا نقطه مقابل آن، عدم اعتماد می‌تواند شکاف بین نسل‌ها را شدت بخشیده و جامعه را با بحرانهای جدی مواجه سازد.

در بحث بر روی مسائل نسلی، در برخی جاها شاهد تفاوت و در جاهای دیگر تعارض بین نسل‌ها هستیم، ولی در عین حال، در جامعه ما مسئله بی‌اعتمادی مختص یک نسل خاص نیست، بلکه این بی‌اعتمادی در بین همه نسل‌ها دیده می‌شود ولی کم و زیاد دارد (آزاد ارمکی ۱۳۸۳: ۱۴۰). در ارتباط با مناسبات دولت و ملت، سازوکارهای بدون انعطاف و تکلیفی دولت به جای سازوکارهای اعتدالی، عاملی مؤثر بر عدم رعایت و اجرای دستورالعمل‌های دولت، عدم مشارکت سیاسی متناسب با خواسته‌های دولت و عدم سرمایه‌گذاری بر پایه

با توجه به موارد و شواهد فوق الذکر در مورد فضای اعتماد در سطح جامعه و تصورنسل‌های مختلف، سوالاتی که در اینجا مطرح می‌شود، عبارتست از اینکه: اعتماد اجتماعی در بررسی مقایسه‌ای در نسل‌های مختلف در چه وضعیتی است؟ آیا تفاوتی بین نسل‌های مختلف در جامعه از نظر میزان اعتماد اجتماعی وجود دارد و اگر وجود دارد، این تفاوت ناشی از چیست؟ و نهایتاً اینکه آیا عوامل و ویژگی‌های فردی بر میزان اعتماد اجتماعی در بین نسلها تاثیرگذار است و یا شرایط ساختاری جامعه تعیین کننده اصلی اعتماد در بین نسلهاست؟

بنابر آنچه گفته شد، بنظر می‌رسد پرداختن به اعتماد اجتماعی به صورت مقایسه‌ای از دیدگاه نسل‌ها که تجربه‌های تاریخی مشترک و یا متفاوتی از هم داشته‌اند ضرورت داشته و پرداختن به این امر هم می‌تواند تصویری کلی از فضای اعتماد و میزان آن در جامعه ارائه دهد و هم با ارائه راهکارهایی در این مسیر، مورد استفاده سیاستگذاران برنامه‌ریزان در سطح کلان قرار گیرد.

پیشینه تجربی

در این بخش با توجه به عنوان بحث، می‌توانیم مروری داشته باشیم بر تحقیقات تجربی که در مورد موضوع تحقیق در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است.

اعتماد به صورت گسترده‌ای در بین ملت‌ها متفاوت است. در کشورهایی مانند نروژ، سوئد، دانمارک و هلند در حدود ۶۰ درصد مردم معتقدند که بیشتر افراد می‌توانند قابل اعتماد باشند در حالیکه در برزیل، فیلیپین و ترکیه در

حدود ۱۰ درصد مردم به دیگران اعتماد دارند (پیمایش ارزش‌های جهانی). مطابق با بحث دل‌هی و نیوتون^۱ (۲۰۰۴)، وقتی مردم می‌گویند که فکر می‌کنند اغلب افراد می‌توانند قابل اعتماد باشند، این می‌تواند به عنوان برآوردی از معیار اخلاقی آن جامعه تلقی گردد. این اعتماد در قالب "انسجام اجتماعی"^۲ متجلی می‌گردد و در کارهایی که افراد انجام می‌دهند اعم از صدقه دادن، وقت خود را به رایگان در اختیار دیگران قرار دادن و... در سیاست‌هایی جوامع در پی کمک به کسانی که امکانات کمی در اختیار دارند، منعکس می‌گردد. (اسلندر^۳ ۲۰۰۲) فصلنامه تحقیقاتی سیاست‌های امریکا مقاله‌ای تحت عنوان "بی‌اعتمادی بنیادی در رابطه بین دموکراسی و اعتماد به حکومت" توسط دیک^۴ (۲۰۰۹) به چاپ رسانده است. این مقاله تحقیقاتی براین نکته تأکید می‌شود که نهادهای دموکراتیک با اجرای انتخابات، محیطی را برای افزایش آگاهی‌ها، توانمندی، مشارکت سیاسی و حتی افزایش سطح روحیه عمومی و شادابی در بین شهروندان و سوق دادن آنان به شهروندی دموکراتیک فراهم می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد حکومت‌ها با برگزاری انتخابات آزاد، می‌توانند قابلیت اعتماد خود را به اثبات رسانند. در عین حال نظرسنجی‌ها و رأی‌گیری به صورت مخفی می‌تواند میزان اعتماد و یا بی‌اعتمادی مردم به حکومت را نشان دهد.

1. Delhy & Newton
2. Social integration
3. Uslander
4. Dyck

اعتمادتر از همکاران اداری و دوستان بیش از همسایگان مورد اعتماد بودند (زتومکا ۱۳۸۴: ۱۱۴).

فرامرزی رفیع پور (۱۳۷۸: ۱۰۹) در پروژه تحقیقی تحت عنوان "بررسی آنومی در شهر تهران" اعتماد اجتماعی را به عنوان یکی از متغیرها مورد بررسی قرار داده است. وی در قالب برش قطبین، با سه گویه، اعتماد مردم را نسبت به هم و نسبت به دولت می‌سنجد. بر طبق نتایج حاصله، حدود ۸۶ درصد پاسخگویان معتقدند که اعتماد مردم نسبت به هم کم شده و ۶۳.۵ درصد اظهار داشته‌اند که اعتماد مردم نسبت به مسئولین کاهش یافته است. ایشان با توجه به دو معرف فوق، میزان اعتماد اجتماعی را در سطح جامعه تا حد قابل توجهی پایین ارزیابی نموده‌اند. در این تحقیق، سطح تحصیلات با اعتماد نسبت به مسئولین رابطه منفی و معنی‌دار را نشان می‌دهد. (همان منبع: ۱۲۳). هم چنین، پیروی از قانون، پایبندی مذهبی و سیستم کنترل اجتماعی (پلیس و دستگاه قضایی) رابطه مستقیم و معنی‌داری با اعتماد اجتماعی نشان می‌دهند.

امیر سیاهپوش در کار تحقیقی خود که در سال ۱۳۸۷ تحت عنوان "فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران" به اجرا در آمده است، به بررسی سیر تحول و عوامل و موانع شکل‌گیری و ارائه راهکارهایی برای افزایش سرمایه اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق از ۶۲ عنوان پژوهش (شامل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترای، تحقیقات میدانی و مقالات علمی - پژوهشی) مرتبط با موضوع نشان می‌دهد که در حوزه‌های گوناگون، وضعیت سرمایه اجتماعی یکسان نیست؛ در

یافته‌های یک پروژه تحقیقی تحت عنوان "اعتماد اجتماعی و درگیری در مسائل سیاسی" نشان می‌دهد که در جامعه آمریکا تنها ۲۸ درصد از افراد فکر می‌کنند که حکومت ملی همیشه یا اغلب اوقات، درست عمل می‌کند. با این وجود در بطن این بافت فاقد اعتماد و اطمینان، بسیاری از افراد علاقمند به امور سیاسی و درگیر ساختن خود در مسائل و فرآیندهای حکومتی بویژه در سطح محلی هستند. بر اساس نتایج این تحقیق، هرچه عدم اعتماد افراد به دیگران بیشتر باشد، میزان درگیری سیاسی شان کمتر خواهد بود. بطوریکه اعتماد اجتماعی و درگیر شدن در مسائل سیاسی در بین افراد بالای ۵۰ سال بیش از افراد کمتر از ۵۰ سال می‌باشد، ۶۱ درصد از افراد بالای ۵۰ سال معتقدند که می‌توان به اکثریت افراد اعتماد نمود و این امر با میزان بالای درگیری سیاسی آنها همخوانی دارد (گرویر ۱۳۸۰: ۷۰).

طبق تحقیقات زتومکا، در طول دوران حاکمیت کمونیسم در لهستان شاهد گسترش اعتماد در حوزه خصوصی (اعتماد نسبت به اعضای خانواده، دوستان، آشنایان)، گسترش عدم اعتماد به حوزه عمومی (نسبت به رژیم، حزب سیاسی حاکم، هیئت حاکمه، نخبگان سیاسی، مقامات اجرایی، پلیس و نظایر آن) بوده‌ایم. در این راستا، در بین افراد جامعه، معمولاً تفاوت‌های فاحشی در اعتماد نسبت به سمت‌ها، نقش‌ها، نهادها و سازمان‌ها بوجود می‌آید. در لهستان، با اینکه نهادها در حوزه عمومی قرار داشتند، ارتش قبلی بیشتر از پلیس و پارلمان بیش از حزب سیاسی حاکم مورد اعتماد بوده است و اگر چه افراد در حوزه خصوصی بودند، اعضای خانواده مورد

روی ۸۲۰۶ نفر (افراد بین ۱۵ تا ۵۰ سال) در مراکز ۲۸ استان کشور نشان می‌دهد که اعتماد به حوزه سیاست کمتر از اعتماد به حوزه فرهنگ است.

احمد عبدالملکی در سال ۱۳۸۶ تحقیقی تحت عنوان "بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن و چگونگی نقش رسانه‌ها در افزایش آن" در مرکز تحقیقات صدا و سیما انجام داده است. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی بیش از آنکه با عوامل سطح خرد در ارتباط باشد، به عوامل سطح کلان مربوط است. ارزیابی فرد از وضعیت جامعه، مهم‌ترین عاملی است که سطح اعتماد اجتماعی او را متأثر می‌سازد؛ به این معنا که هرچه افراد، جامعه را با ثبات‌تر، بهنجارتر و رفتارنهادها بامردم را شفاف‌تر و صادقانه‌تر بدانند و معتقد باشند که حقوق پایمال شده شهروندان قابل اعاده است، اعتماد اجتماعی بالاتری خواهند داشت.

چهارچوب نظری

در بحث بر روی مبانی نظری مفهوم اعتماد، بطور کلی از سه رویکرد می‌توان استفاده نمود: رویکرد خرد، رویکرد کلان و رویکرد تلفیقی. بر اساس دیدگاه‌های سطح خرد، اعتماد یک ویژگی یا خصوصیت فردی است و بنابراین با ویژگی‌ها و رفتارهای فردی ارتباط دارد، پس با توجه به این خصوصیات، می‌توان میزان اعتماد را سنجید. ولی برطبق رویکرد کلان، اعتماد اجتماعی نه یک خصوصیت فردی، بلکه ویژگی نظام اجتماعی تلقی می‌شود.

میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی میزان اعتماد به خانواده و نظام سیاسی و نیز میزان ارتباطات اجتماعی بالاست. در حوزه سیاسی میزان اعتماد به نظام سیاسی بالا، میزان اعتماد به نهادهای سیاسی متوسط و میزان اعتماد به کنشگران سیاسی پایین بوده است. همچنین میزان مشارکت مردم در حوزه‌های گوناگون اجتماعی بسیار پایین است. مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر مردم میزان ارزش‌هایی مثل صداقت، امانتداری و گذشت در بین مردم پایین است و میزان رواج ضد ارزش‌هایی چون کلاهبرداری و چاپلوسی بالاست. همچنین در مجموع میزان کل سرمایه اجتماعی در ایران نسبتاً بالاست و البته این میزان در سالیان مختلف دچار نوسان بوده است.

محمد حسین پناهی و فریبا شایگان در سال ۱۳۸۶ در پروژه تحقیقی مشترک تأثیر دینداری بر اعتماد سیاسی را مورد آزمون قرار داده است. این تحقیق با روش پیمایشی به بررسی اعتماد سیاسی در سه حوزه اعتماد به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد به نظام سیاسی بیشتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. مطابق نتایج، بین میزان دینداری و اعتماد بنیادی پاسخگویان و رضایت از عملکرد نقاط تماس، برداشت از میزان تعهدات مذهبی مسئولان و نیز تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی اقتصادی رابطه وجود دارد.

افسانه کمالی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه دکترای خود تحت عنوان "مقایسه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست" به بررسی رابطه اعتماد سیاسی با اعتماد اجتماعی پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق بر

مطابق با دیدگاه‌های سطح کلان، اعتماد فقط جزئی از شخصیت افراد بشمار می‌رود، بنابر این، اعتماد افراد به دیگران، بیشتر به ارزیابی آنان از قابل اعتماد بودن محیط اطرافشان بر می‌گردد تا به شخصیت و تمایلات فردی آنان. بر این اساس، «افرادی که در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که نظام اجتماعی آن از ثبات بالایی برخوردار است و هنجارها و قواعد اجتماعی از سوی دیگران رعایت می‌شود، از اعتماد اجتماعی بالایی برخوردارند» (عبدالملکی ۱۳۸۷: ۹۹). در نهایت، رویکرد سوم، با تلفیق سطح خرد و کلان، تلاش می‌کند که ابعاد مختلف اعتماد را مورد بررسی قرار دهد و با در نظر گرفتن عوامل سطح خرد و سطح کلان در کنار یکدیگر، تبیین کامل تری از مسئله ارائه دهد.

اریکسون از نظریه پردازانی است که در حوزه روانشناسی و با نگاهی خرد نگر به بحث در پیرامون شکل‌گیری اعتماد می‌پردازد. او مفهوم "اعتماد بنیادی" (basic trust) را مطرح کرده و معتقد است که اعتماد در سالهای اولیه رشد و متأثر از پیرامون فرد شکل می‌گیرد. یعنی اعتماد در سطح وسیع در جامعه در درجه اول به نحوه رشد و شکل‌گیری شخصیت تک تک اعضای جامعه در آغاز دوران کودکی بر می‌گردد (گلابی ۱۳۸۳: ۵۴). از نظر اریکسون، اعتماد از همان آغاز بر نوعی تجربه دوسویه دلالت می‌کند. رفتار عجیب و غریب و کناره‌گیری، نمایشگر کوشش‌هایی است برای تطبیق با یک محیط متعین یا دشمنانه که در آن، احساس قابلیت اعتماد درونی، اعتماد ناپذیری جهان خارجی را بازتاب می‌کند (گیدنز ۱۳۸۰: ۱۱۳).

نظریه پردازان مبادله، "اعتماد بین شخصی را مطرح می‌کنند که شکل دیگری از اعتماد است و در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. در این نوع اعتماد، حداقل دو نفر حضور دارد، فرد اعتماد کننده و فرد مورد اعتماد. اعتماد بین شخصی، موانع ارتباطی را از میان برداشته و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات مهم را ممکن می‌سازد. روابط شخصی در ایجاد اعتماد بین شخصی نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر، «اعتماد بین شخصی در روابط و تعاملات معنا پیدا می‌کند، توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود» (عباس زاده ۱۳۸۲: ۴۲-۴۰).

اعتماد تعمیم یافته نوع سوم اعتماد است که در آن، اعتماد به افرادی که با هم تعامل دارند و روابط چهره به چهره برقرار می‌سازند، محدود نمی‌شود، بلکه این نوع از اعتماد، مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را درمی‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد. اعتماد تعمیم یافته، پدیده نسبتاً جدیدی است که با پیدایش دول‌های مدرن مطرح می‌شود و لازمه آن، همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که در جوامع مدرن امروزی زندگی می‌کنند (گلابی ۱۳۸۳: ۵۵).

از نظر جانسون، اعتماد امر ثابتی نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط است که بصورت مداوم در حال تغییر و تحول است. از نظر او هر آنچه افراد انجام می‌دهند و سطح اعتماد را در روابط، افزایش و یا کاهش می‌دهد، در ایجاد و حفظ اعتماد در روابط دو جانبه و کنش‌های دو طرفه از اهمیت زیادی برخوردار است (امیرکافی ۱۳۷۵: ۷۲). جانسون اعتقاد دارد که در یک رابطه مبتنی بر اعتماد بین دو یا چند نفر، عناصری وجود دارند که عبارتند از

صراحت و باز بودن، سهیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری جویانه، روابط مبتنی بر اعتماد، اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن.

جیمز کلمن از منظر کنش عقلانی به موضوع اعتماد، توجه می‌نماید و معتقد است که اعتماد نوعی انتظار است که در بر اساس محاسبه سود و زیان بدست می‌آید که توسط انسان‌های محاسبه‌گر و عقلانی نسبت به فرد یا گروهی از افراد یا سازمان‌ها بر آورده می‌شود. کلمن در بحث بر روی نظام‌های اعتماد، این نظام‌ها یا روابط را متضمن وجود دو یا سه کنشگر می‌داند ولی در سطح کلان، تحلیل پدیده‌ها را مستلزم فرارفتن از تعداد محدود و در نظر گرفتن تعداد زیادی از افراد می‌داند. کلمن در اینجا از دو نوع سیستم بزرگتر یاد می‌کند، نوع اول، اجتماعی است که از روابط به هم پیوسته اعتماد متقابل تشکیل شده و نوع دوم سیستمی است که از روابط اعتماد مشورتی ساخته شده است (کلمن ۱۳۷۷: ۲۸۷).

کلمن در بحث از نتایج افزایش و کاهش میزان اعتماد، معتقد است که برقراری اعتماد، منابعی را در اختیار فرد امین قرار می‌دهد، قدرت عمل کردن را تسهیل می‌نماید؛ و اگر فرد امین، قابل اعتماد باشد، برقراری ارتباط، برای اعتماد کنندگان نیز منفعت‌بخش می‌آورد (همان منبع: ۲۹۷). به نظر کلمن، گسترش بیش از حد اعتماد، یعنی اعتماد گسترده به فرد امینی که قابل اعتماد نیست، به جای منفعت، برای اعتماد کنندگان زیان‌بار می‌آورد.

گیدنز معتقد است که مشخصه عصر مدرن، "اعتماد بالقوه" است و منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت

خود را در جوامع مدرن صنعتی ازدست داده‌اند. از نظر گیدنز، قابلیت اعتماد بردو نوع است: یکی قابلیت اعتمادی است که میان افرادی که خوب همدیگر را می‌شناسند و بر مبنای آن آشنایی طولانی برقرار می‌شود، یعنی افرادی که صلاحیت‌های لازم را برای قابل اعتماد بودن در نظر همدیگر به اثبات رسانیده‌اند. اما قابلیت اعتماد بر مبنای مکانیسم‌های از جاکننده چیر دیگری است، هر چند در اینجا نیز اعتمادپذیری عامل مهمی است. (گیدنز ۱۳۸۰: ۹۹). در برخی مقتضیات، اعتماد به نظام‌های انتزاعی به هر گونه روبرویی با افراد یا گروه‌هایی که به نوعی مسئول این نظام‌ها هستند، نیازی ندارد. اما در بیشتر موارد این چنین افراد یا گروه‌ها دخالت دارند. گیدنز در اینجا نقاط دسترسی نظام‌های انتزاعی را مطرح می‌سازد. این نقاط دسترسی نظام‌های انتزاعی، زمینه برخورد پایبندیهای چهره‌دار و بی‌چهره را فراهم می‌سازند.

از نظر گیدنز، نقاط دسترسی، همان نقاط پیوند بین افراد یا جمع‌های غیر متخصص با نمایندگان نظام‌های انتزاعی‌اند. هر چند نقاط دسترسی، نقاط آسیب‌پذیری نظام‌های انتزاعی را نشان می‌دهند، ولی در ضمن، همان پیوندگاه‌هایی هستند که اعتماد را در آن جاها می‌توان حفظ یا بنا کرد (گیدنز ۱۳۸۰: ۱۰۵).

طبق رهیافت نسل تاریخی مانهایم در دوره‌های عادی حیات اجتماعی، گروه‌های نسلی گذری طبیعی داشته و فرآیندهای جامعه‌پذیری و تخصیص نقش به عنوان مکانیسم‌های پیوند بین جوانان و گزینه‌های اجتماعی عمل می‌کنند و آنان بدون هیچ حادثه عمده‌ای

در ساخت‌های بزرگسالی ادغام می‌شوند. ولی حوادث مهم تاریخی می‌توانند به صورت شکننده‌های این پیوندها را تهدید کرده و موجب عدم توافق و اختلاف بین جوانان و بزرگسالان و نیز دردرون گروه‌های سنی جوان گردند (داس بچ ۱۹۹۵: ۶)

از نظر مانهایم، نسل محل ظهور و محمل انتقال و تدوام جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی - تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جهت‌گیری‌ها به صورت اهداف و، نیات و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به صورت تکامل و ظهور یک سبک نسلی ظاهر می‌شود. (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

در دیدگاه مانهایم، هر نسل، مهر خاص حوادث اجتماعی و سیاسی دوره اصلی شکل‌گیری (جوانی) خود را بر پیشانی دارد. حوادثی که طی این دوره تجربه می‌شوند، نفوذی قاطع و تعیین‌کننده در تمایز ایدئولوژیک و در تعیین ساختار ذهنی، فرهنگ و رفتار بعدی اعضای یک نسل خواهد داشت (شومن و اسکات ۱۹۸۹: ۳۵۹). مانهایم در مقایسه بین ارزش‌های نسل‌ها معتقد است که ارزش‌های نسل قبل به طور کامل از بین نمی‌روند، بلکه نسل جدید دست به باز تعریف ارزش‌ها و افکار و ایدئولوژی‌های حاکم می‌زند؛ به عبارت دیگر ارزش‌ها در رویکرد وی هم متغیری وابسته و هم متغیری مستقل قلمداد می‌شود، یعنی وابسته به شرایط اجتماعی و تاریخی و متغیر مستقل یعنی دارای نظام ارزشی مستقر، پاسخ‌گانه‌ایز شده و مشخص افراد و نهادها در حیات اجتماعی و پایه‌ای برای نوآوری ارزشی بعدی است.

زتومکا با ارائه یک سنخ‌شناسی جامع از مفهوم اعتماد و تعریف آن به صورت دقیق، با نظریه‌ای تلفیقی به بحث عاملیت و ساختار پرداخته است و سعی نموده اعتماد را در سطوح مختلف مورد بررسی قرار دهد. زتومکا معتقد است که اعتماد بر روی سه پایه بنا می‌گردد که عبارتند از قابلیت اعتماد، انگیزه اعتماد کردن و فرهنگ اعتماد (۱۳۸۴: ۱۱۵). قابلیت اعتماد می‌تواند به عنوان زمینه‌ای تاثیرگذار بر کنش‌های بین نسلی عمل نماید.

زتومکا پیدایش فرهنگ اعتماد را در طی فرآیندی به نام "شدن اجتماعی" مورد بحث قرار می‌دهد. فرآیند پیدایش فرهنگ اعتماد نمونه‌ای از فرآیند کلی‌تر است که از طریق آن، فرهنگ‌ها، ساختارهای اجتماعی، نظام‌های هنجاری، نهادها، سازمان‌ها و موجودات اجتماعی کلان دیگر در حال شکل‌گیری هستند. شدن فرهنگ اعتماد به عنوان نمونه‌ای از فرآیندهای گسترده‌تر شدن اجتماعی مطرح می‌گردد (همان منبع: ۱۴۰)

مدل شدن اجتماعی مبتنی بر چند فرض است: نخست عاملیت انسانی یا کنش‌های فردی و جمعی، تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌هایی که توسط کنشگران در چارچوب موقعیت‌های فراهم شده توسط ساختارهای موجود صورت می‌گیرد. بعلاوه در بحث بر روی عاملیت، متغیرهایی را تحت عنوان مفهوم "خلقیات اجتماعی" قرار می‌دهد که این متغیرها عبارتند از: انگیزه اعتماد کردن، عمل‌گرایی، خوش‌بینی، گرایش به آینده، اشتیاق زیاد و تمایل به کسب موفقیت. خلقیات اجتماعی همراه با

1 . Social becoming

2 . Social mood

سرمایه جمعی^۱ می تواند ظرفیت کنشگران را در این راستا افزایش دهد برای پیدایش فرهنگ اعتماد توانایی ابتکار فردی مهم نیست بلکه سطح معمول توانایی که هم افراد یک جامعه در آن سهیم هستند اهمیت زیادی دارد (زتومکا ۱۳۸۴: ۱۴۹-۱۵۳). دوم شرایط ساختاری^۲ و موقعیت‌هایی که توسط عمل در حال تکوین پیوسته شکل گرفته و دوباره شکل می‌گیرند. زتومکا (۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۶۰) در مورد زمینه‌های فرهنگی ایجاد کننده اعتماد و یا بی‌اعتمادی و حاکمیت آن در جامعه به پنج عامل به عنوان شرایط ساختاری اشاره می‌نماید: وحدت هنجاری، ثبات نظام اجتماعی، شفافیت سازمان اجتماعی، آشنایی با محیط اجتماعی و پاسخگو بودن افراد و نهادها. این پنج عامل می‌توانند شرایطی را برای کنشگران در جهت شرط‌بندی در جهت اعتماد یا بی‌اعتمادی فراهم سازند.

زتومکا در بررسی زمینه‌های اعتماد، سه زمینه را بر می‌شمارد که عبارتند از وجهه و اعتبار و عملکرد و نمود یا طرز رفتار. این سه مبنایی هستند بر قابلیت اعتماد اولیه. اطلاعات در مورد اعتبار، عملکرد یا نمودها می‌تواند در برخورد‌های مستقیم با افراد و نهادها بدست آید و یا بر پایه نقل قول‌ها، مدارک، ارزیابی و یا معرفی دیگران حاصل شود. اعتبار بالا، کنش‌ها را نمایان‌تر می‌سازد و با رعایت بهتر استانداردها، امنیت و کنترل بیشتری را سبب می‌شود (زتومکا ۱۳۸۴: ۸۸).

زتومکا در بحث بر روی شرایط ساختاری^۳ پنج شرط را به عنوان پیش‌فرض مطرح می‌سازد که زمینه عمل

کنشگران را فراهم می‌آورند و می‌توانند منشا پیدایش فرهنگ اعتماد و یا سلب اعتماد و هدایت به سوی فرهنگ عدم اعتماد باشند. اولین شرط عبارتست از وحدت و یکپارچگی هنجاری^۳ و نقطه مقابل آن یعنی آشفتگی هنجاری^۴. هنجارها، ویژگی‌های اخلاقی و آداب و رسوم، چارچوب کلی زندگی اجتماعی را می‌سازند و اجرای عملی هنجارها، خصلت الزامی بودن آنها را تضمین می‌نماید. این هنجارها، زندگی اجتماعی را بدون مشکل، ایمن، منظم و قابل پیش‌بینی می‌سازند و همانند سناریوهای تثبیت شده‌ای هستند که نشان‌دهنده آنچه مردم باید انجام دهند و یا انجام خواهند داد، هستند (همان منبع: ۱۴۳). در مقابل، در شرایط بی‌هنجاری، قواعد و مقررات مختلف اجتماعی که هم تنظیم‌کننده رفتار انسانی و هم وادارکننده کنشگران به اطاعت و فرمانبرداری هستند، به هم ریخته‌اند. کنش‌های افراد بدون نظم شخصی بوده، از روی هوس و مبتنی بر هیجانات زودگذر و تمایلات خودخواهانه، انجام می‌گیرند. در اینجا هیچ چیز را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، بیشتر انتظارات خودخواهانه و رفتارها منفعت طلبانه است. افراد ایده‌روشنی در مورد تعهدات الزام‌آور ندارند و هیچ کس به این هنجارها عمل نمی‌کند، هیچ کس جرأت سپردن چیزی به دیگری را ندارد و هیچ کس باور ندارد که اعتماد کردن می‌تواند باعث برانگیخته شدن اعتماد متقابل گردد و آنومی یا بی‌سازمانی، بافت هنجاری زندگی اجتماعی را به تحلیل می‌برد (همان منبع).

3. Normative coherence
4. Normative chaos

1. Collective capital
2. Structural conduciveness

شرط ساختاری دوم عبارتست از ثبات^۱ نظام اجتماعی و نقطه مقابل آن دگرگونی بنیادی^۲. اگر شبکه روابط گروه‌ها، انجمن‌ها، نهادها، سازمان‌ها و رژیم‌ها با دوام، پایدار و مستمر باشد، نقاط عطف روشنی در زندگی اجتماعی، احساس امنیت، حمایت و آرامش ایجاد می‌کند. به این ترتیب، برآورده شدن تعهدات و پاسخ متقابل به اعتماد، وظیفه تلقی نمی‌شود، بلکه یک واکنش عادی و بدون مسئله است (همان منبع). بنابراین، اعتماد می‌تواند به آسانی عرضه شود و احتمال اینکه اعتماد مورد نظر متقابلاً پاسخ داده خواهد شد، بالا است. شرط سوم عبارتست از شفافیت^۳ سازمان اجتماعی و نقطه مقابل آن پنهان کاری و ابهام^۴ فراگیر در سازمان. دسترسی به اطلاعات در مورد عملکرد، قابلیت و توانایی، سطح پیشرفت و هم‌چنین کاهش آسیب‌ها، در بین گروه‌ها، سازمان‌ها و رژیم‌ها احساس امنیت و پیش‌بینی‌پذیری ایجاد می‌کند و نتیجه آن، گزارش‌های آزادانه، امکان بازرسی و کنترل، سهولت درک این سازمان‌ها بوده و افراد مایل به ارتباط توأم با اعتماد با این گروه‌ها و سازمان‌ها هستند. در مقابل، اگر ویژگی‌های اجرا، برای درک و فهم، مشکل، پنهان و آمیخته با رمز و راز باشد، این احتمال که برخی چیزها تهدیدآور بوده و باید مخفی بماند؛ شایعات، حرف‌های بی‌اساس و تئوری‌های توطئه‌زیاد شده و مردم در مقابل اعتماد کردن از خود تردید نشان می‌دهند (زومکا ۱۳۸۴: ۱۴۴).

شرط چهارم عبارتست از آشنایی^۵ یا ضد آن غرابت^۶ غرابت^۶ و نا آشنا بودن با محیطی که مردم در آن، اعمال خود را به عهده می‌گیرند. (همان منبع: ۱۴۵). آشنایی در شخص احساس امنیت، قطعیت، پیش‌بینی‌پذیری و آرامش ایجاد کرده و فضایی برای ایجاد اعتماد، فراهم می‌کند. شرط پنجم عبارتست از پاسخگو بودن^۷ افراد و نهادها و نقطه مقابل آن، خودسری^۸ و بی‌مسئولیتی آنها. وقتی مجموعه‌ای از نهادها توانمند، در دسترس و به معنای واقعی کلمه در حال انجام وظیفه باشند، با تعیین معیارها و فراهم کردن زمینه برای کنترل و نظارت بر رفتار افراد توسط این نهادها، از خطر سوء استفاده کاسته شده و نظم و ترتیب روال کار حفظ می‌گردد. اگر افراد، زمانی که امتیازات‌شان نادیده گرفته شده یا دیگران به تعهدات خود نسبت به آنها عمل نکنند، بتوانند به چنین نهادهایی متوسل گردند، در آنها نوعی احساس امنیت یا امکان پشتیبانی و در نتیجه آرامش بیشتر بوجود می‌آید. هر کسی اطمینان دارد که معیارها رعایت شده، از انحراف‌های جلوگیری می‌شود و حتی اگر سوء استفاده‌ای می‌شود، با توسل به اقامه دعوا، میانجی‌گری، جبران خسارت یا موارد مشابه، مسئله حل خواهد شد. این شرط، باعث رشد اعتماد بیشتر در افراد نسبت به دیگران می‌گردد (همان منبع: ۱۴۶).

این پنج شرط یعنی وحدت هنجاری، ثبات، شفافیت، آشنایی و پاسخگویی، شرایط مناسب را برای شکل‌گیری استعدادها در کنشگر انسانی و فرصت‌هایی را برای

5. Familiarity
6. Strangeness
7. Accountability
8. Arbitrariness

1. Stability
2. Radical change
3. Transparency
4. Ambiguity

شکی نیست که جوامع بطور معنی‌داری از جهت خلیات اجتماعی با یکدیگر متفاوتند و اینکه، جوامع یکسان می‌توانند در زمان‌های مختلف، تجربیات متفاوتی از نظر خلیات اجتماعی داشته باشند. هم‌چنین بنظر می‌رسد که چنین خلیات متفاوتی می‌توانند، پیدایش فرهنگ اعتماد را تسهیل کرده یا ظهور آن را به تاخیر بیندازند (همان منبع).

زتومکا در تئوری شدن اجتماعی خود (زتومکا ۱۹۹۵ و ۱۹۹۵a) فرض را بر این قرار می‌دهد که اعتماد همانند همه عناصر ساختاری و فرهنگی، حاصل تجربیات تاریخی است. اثر حوادث اخیر در نهادها، نقش‌ها، نمادها، باورها (مانند قانون، اخلاق، آداب و رسوم، آموزه‌ها، افکار و ایدئولوژیها، آیین‌های مذهبی) و هم‌چنین در اذهان کنشگران اجتماعی (طرز تفکر، شناخت‌ها، گرایش‌ها و اولویت‌های فکری آنان) باقی می‌ماند. تجربیات مشترک، الگوهای ذهنی، فرهنگی و ساختاری مشترکی را می‌سازند. و این الگوها نیز به نوبت، شرایط مواجهه (با ایجاد یا تسهیل شرایط) با کنش‌های آتی را فراهم می‌نمایند ارتباط میان تاثیرات گذشته و رشد و توسعه آینده بوسیله نسل‌ها فراهم می‌گردد: مجموعه‌ای از افرادی که در سالهای شکل‌گیری شخصیت و افکارشان، در معرض نیروهای اجتماعی مهم و مشابهی بوده و حوادث اجتماعی یکسانی را تجربه کرده‌اند.

به نظر زتومکا، فرهنگ بی‌اعتمادی، که عمیقاً ریشه در گذشته دارد، حاصل تجربیات بی‌نتیجه در مورد اعتماد بوده و گاهی در اثر سکون، دچار رکود می‌گردد. حاملان این سنت بی‌اعتمادی، نسل‌ها هستند. این بدین معنی است که

شرط‌بندی بر روی اعتماد فراهم می‌سازند. ولی باید توجه داشت که دراصل، این شرط‌بندی‌ها توسط افراد صورت می‌گیرند، بنابراین انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان سرنوشت‌ساز است و تصمیم‌گیری‌های افراد وابسته به ویژگی‌های شخصیتی‌شان است. مطابق با تئوری شدن اجتماعی زتومکا (۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۴۶)، کنشگرانی که به امکانات ساختاری دسترسی دارند، دو نوع ویژگی دارند که برای عمل توأم با اعتماد آنها اهمیت دارد. این افراد دارای ویژگی شخصیتی خاصی هستند و احتمالاً چنین ویژگی‌های شخصیتی بطور غیرمستقیم با تمایل به اعتماد به عنوان نوعی عمل‌گرایی^۱ همگانی در مقابل انفعال‌گرایی^۲، و خوش‌بینی^۳ در مقابل بدبینی^۴، گرایش به آینده^۵ در مقابل عصر‌گرایی^۶ یا گرایش سنت‌گرا، اشتیاق زیاد در مقابل تمایل کم، تمایل به موفقیت در مقابل جهت‌گیری انطباقی و علاقه به ابداع و نوآوری در مقابل آمادگی برای همنوایی ارتباط دارد. بنظر می‌رسد علائم شخصیتی متضاد در پیدایش فرهنگ بی‌اعتمادی دخیل باشند. بی‌اعتمادی همراه با سوءظن و بدبینی، موجب افعال‌گرایی، عصر‌گرایی، اشتیاق پایین، تمایل به سازش و انطباق و همنوایی می‌گردد (همان منبع: ۱۴۷). این نشانه‌های شخصیتی با گسترش در میان جمعیت، به عناصر نظام اجتماعی تبدیل می‌شوند، که می‌توان آن را خلیات اجتماعی^۷ نامید.

1. Activism
2. Passivism
3. Optimism
4. Pessimism
5. Future orientation
6. Presentism
7. Social moods

می‌شوند. و در عین حال کسانی هستند که دارای تجارب مشترک تاریخی هستند. از این نظر می‌توان سه نسل یعنی نسل قبل از انقلاب و جنگ، نسل انقلاب و جنگ و در نهایت نسل بعد از انقلاب و جنگ را از یکدیگر متمایز نمود.

فرضیه‌های فرعی عبارتند از:

- ۱- ارزیابی هر نسل از انسجام هنجاری در سطح جامعه، بر میزان اعتماد اجتماعی آن نسل تأثیر می‌گذارد.
- ۲- ارزیابی هر نسل از انسجام هنجاری بر نحوه ارزیابی آن نسل از انسجام نهادی سیاسی در سطح جامعه تأثیر می‌گذارد.
- ۳- ارزیابی هر نسل از انسجام نهادی سیاسی در سطح جامعه بر میزان اعتماد اجتماعی آن نسل تأثیر می‌گذارد.
- ۴- تجربه ذهنی هر نسل بر اعتماد اجتماعی آن نسل تأثیر می‌گذارد.
- ۵- تجربه عینی هر نسل بر اعتماد اجتماعی آن نسل تأثیر می‌گذارد.
- ۶- تجربه عینی یک نسل تجربه ذهنی آن نسل را متأثر می‌سازد.
- ۷- بین ارزیابی نسل‌ها از انسجام هنجاری در سطح جامعه تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۸- بین ارزیابی نسل‌ها از انسجام نهادی سیاسی در سطح جامعه تفاوت معناداری وجود دارد.

نسل: طبق تعریف فرهنگ لغات معین (۱۳۶۰: ۴۷۲۲)، نسل به معنای زاده، فرزند، ذریه و دودمان می‌باشد. کرتزل چهار مفهوم متفاوت از نسل ارائه می‌دهد که عبارتند از نسل همانند یک اصل و پایه نسب

بی‌اعتمادی از گذشته نشأت می‌گیرد و توسط نسل‌هایی که زندگی خود را در درون فرهنگ بی‌اعتمادی سپری خواهند کرد، درونی می‌گردد. ممکن است نسل جدید نتواند کاری انجام دهند و بی‌اعتمادی تحت شرایط متفاوت، منشأ پیدایش اعتماد گردد و این دقیقاً چیزی است که در جوامع فراکمونستی روی داده است و امروزه، جوانانی که از دانشگاه‌های مختلف فارغ‌التحصیل شده و شغلی برای خود برمی‌گزینند، عملاً از تاثیر زیان‌بار نظام کمونستی بر روی توانایی‌هایشان دور شده‌اند. برای آنها، از آن تاریخ، مدت زیادی گذشته است. وقتی نظام کمونستی تقریباً از هم پاشیده بود، آنها در حال بزرگ شدن بودند و در یک جامعه آزاد و دموکراتیک تحصیل کرده‌اند. «بنابراین آنها گرفتار ناتوانی‌های پرورش یافته، عدم صلاحیت‌های مدنی، فرهنگ‌های بدبینی و کمبود اعتماد که افکار نسل قبلی را به خود مشغول داشته است، نیستند» (زومکا ۱۳۸۴: ۲۲۳). آنها همچنین نگرانی‌ها و عدم اطمینان‌های ناشی از نزاع‌های مخالفت‌آمیز، شور و هیجان انقلاب و سرخوردگی‌های ناشی از تحولات را کنار گذاشته‌اند. دنیای نسل امروزی، دنیای نسبتاً ثابت، پایدار، امن و قابل پیش‌بینی است. نسل امروزی این وضعیت را حق مسلم خود پنداشته و به آن اعتماد می‌نمایند.

فرضیه‌های تحقیق

در این پژوهش، فرض اصلی عبارتست از بررسی تفاوت و یا عدم تفاوت بین نسل‌ها در اعتماد اجتماعی. منظور از نسل در این پژوهش کسانی هستند که به لحاظ سنی در سه دسته جوان، میانسال و بزرگسال تقسیم‌بندی

لحاظ سنی در سه رده جوان (۱۵ تا ۲۹ سال)، میانسال (۳۰ تا ۵۴ سال) و بزرگسال (۵۵ سال و بالاتر) قرار می‌گیرند و حتی اگر بخواهیم نسل را بر حسب تجارب مشترک تاریخی تقسیم بندی کنیم به تبعیت از رده های سنی، سه نسل یعنی نسل متعلق به زمان قبل از جنگ و انقلاب، نسل جنگ و انقلاب و نسل بعد از جنگ و انقلاب از یکدیگر متمایز می‌گردد.

روش شناسی تحقیق

روش اجرای تحقیق به روش پیمایشی می‌باشد. این تحقیق از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است که در زمان خاصی انجام گرفته است. نوع تحقیق در این پژوهش از نوع کاربردی و با هدف تبیینی می‌باشد.

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز می‌باشد. براساس آمار سال ۱۳۸۵ از ۱۳۹۸۰۶۰ نفر، ۱۱۰۶۷۳۱ نفر بالای ۱۵ سال بوده است. از این تعداد ۵۶۵۵۴۰ نفر مرد و ۵۴۱۱۹۱ نفر زن می‌باشد. نمونه آماری ۶۷۰ نفر می‌باشد.

روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر نمونه‌گیری چند مرحله‌ای خواهد بود. مراحل نمونه‌گیری به شرح زیر بوده که پس از تعیین حجم نمونه و تقسیم شهر تبریز به مناطق ۸ گانه به نسبت جمعیت هر منطقه، نمونه‌ها تخصیص یافتند. از هر منطقه بلوک‌هایی بصورت تصادفی انتخاب گردیدند و در مرحله آخر از هر بلوک خانه‌هایی بصورت تصادفی انتخاب شدند. با توجه به اینکه نمونه از کل

خویشاوندی، نسل همچون افراد هم دوره، نسل هم چون مرحله زندگی و نسل همچون دوره تاریخی (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۳).

به تعبیر باتی‌مور، در فرآیند جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و هنجارها توسط نسل‌های پیشین به نسل‌های جدید منتقل می‌شود ولی جامعه‌پذیری کامل نیست. بنابراین، این نسل‌های جدید، هرگز زندگی اجتماعی نسل قبل از خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند، بلکه این امر با انتقاد و ردّ برخی از جنبه‌های سنتی یا نوآوری همراه است (باتی‌مور، ۱۳۵۸: ۳۴۲ به نقل از آزاد ارمکی ۱۳۸۷: ۱۸۷).

کارل، مانهایم معتقد است که شکل‌گیری نسل اجتماعی، صرفاً در نتیجه مشابهت افراد در تاریخ تولد نیست، بلکه بر حسب وقایع و تجربیات مشترک تاریخی می‌تواند درک شود. این وقایع، تاریخ مشترک یک نسل را می‌سازند. افراد بر اساس چنین وقایعی در مرحله خاصی از رشد و کمال، به آگاهی و ذهنیت مشترک می‌رسند و این آگاهی و ذهنیت مشترک، ایدئولوژی نسلی را می‌سازد. این ایدئولوژی نسلی روی گرایش‌ها و رفتارهای نسل و تفسیر حوادث بعدی تأثیر می‌گذارد. با توجه به تعریف مفهومی که از مفهوم نسل ارائه گردیده است، می‌توان به تعریف عملیاتی نسل از نظر اشتراک در حوادث، رویدادها و تجربه‌های تاریخی انقلاب پرداخت. از سوی دیگر، مطابق با تحقیقاتی که درباره نسل‌ها توسط برخی از محققین انجام گرفته (آزاد و غفاری، غلامرضا کاشی، معیدفر و...) نسل بر حسب اشتراک در رویدادهای تاریخی تقسیم‌بندی می‌گردد. بنابراین در تعریف عملیاتی، نسل به کسانی اطلاق می‌شود که به

منطقه انجام گرفته، که در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

مناطق ۸ گانه انتخاب شده و برای از بین بردن تأثیر کدهای گمشده، نمونه به ۷۵۲ نمونه افزایش داده شده است و تخصیص نمونه برحسب جمعیت بالای ۱۵ سال هر

جدول شماره ۱ - تخصیص نمونه براساس مناطق ۸ گانه تبریز

مناطق شهرداری	تعداد جمعیت بالای ۱۵ سال	تعداد نمونه	درصد
منطقه ۱	۲۴۸۷۹۲	۱۶۹	۲۲/۴۷
منطقه ۲	۲۲۷۱۶۲	۱۵۴	۲۰/۴۸
منطقه ۳	۲۶۳۵۷۶	۱۷۹	۲۳/۸
منطقه ۴	۲۴۲۴۳۵	۱۶۴	۲۱/۸۱
منطقه ۵	۵۱۶۵۶	۳۵	۴/۶۵
منطقه ۶	۲۰۸۳۸	۱۴	۱/۸۶
منطقه ۷	۳۹۴۴۴	۲۷	۳/۵۹
منطقه ۸	۱۴۴۸۵	۱۰	۱/۳۳
کل	۱۱۰۶۷۳۱	۷۵۲	۱۰۰

سنجش متغیر وابسته و اعتبار سازه‌ای آن

برای سنجش اعتماد اجتماعی از ۵۹ گویه ۶ یا ۷ گزینه‌ای در سطح رتبه‌ای به صورت طیف لیکرت استفاده شده است. به منظور تعیین اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری، تفکیک و دسته‌بندی سؤالات مربوط به ارزیابی اعتماد اجتماعی نسل‌ها از تکنیک تحلیل عاملی براساس تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. طبق نتایج این آزمون مقدار $KMO = 0/907$ بدست آمده و چون این مقدار از $0/5$ بزرگتر است، بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بسیار مناسب است

همچنان براساس نتایج تحلیل عاملی، مقدار آزمون بارلت برابر با $17387/771$ با سطح معنی‌داری $P = 0/000$ بدست آمده و نشان می‌دهد که تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده و سؤالات هر عامل همبستگی بالایی با همدیگر دارند. در مجموع با تقلیل سؤالات ۵۹ گانه به ۱۳ عامل اصلی، تقریباً حدود ۶۳ درصد از واریانس کل عامل‌بندی قابل تبیین می‌گردد و می‌توان آن را معیار مطلوبی تلقی نمود، زیرا در تحلیل عاملی حداقل لازم است که ۵۰ درصد از واریانس تبیین گردد. این عوامل عبارتند از اعتماد به نهادها و مشاغل دولتی (سیاسی دینی)، اعتماد به مشاغل نیمه دولتی (فرهنگی و هنری)، اعتماد به نهادهای غیردولتی، اعتماد به مشاغل آزاد، اعتماد درون

گروهی، اعتماد برون گروهی، آینده گرایی، تمایلات
 همکاری جویانه، سوء ظن، کمک به دیگران، صداقت و
 درستی، کمک به افراد ناآشنا و اطمینان.

سنجش روایی متغیرهای مستقل انسجام هنجاری:

جدول شماره ۲ - نتیجه روایی گویه‌های مربوط به ارزیابی از انسجام هنجاری در سطح جامعه

روایی	گویه‌ها
۰/۶۸	<p>- در دورو بر ما افراد چندان قابل اعتمادی وجود ندارند و تعداد آنها انگشت شمار است.</p> <p>- وقتی می‌خواهی با کسی رفت و آمد کنی، مطمئن باش که طرف مقابل درارتباط با توهمواره منافعش را در نظر می‌گیرد.</p> <p>- بی‌اعتمادی در بین افراد جامعه در مقایسه با زمان‌های قبل افزایش یافته است.</p> <p>- مطمئن هستم که کشور در موارد غیرمنتظره به خوبی می‌تواند از جان افراد محافظت نماید، بنابراین از این نظر احساس امنیت می‌نمایم.</p> <p>- در جامعه ما روابط جای ضوابط را گرفته است، بنابراین به آسانی می‌توان قواعد و مقررات را خرید، زیر پا گذاشت و عوض کرد، بصورتی که آب از آب تکان نخورد.</p> <p>- همه افراد در مقابل قانون برابر هستند، بنابراین قانون در جامعه ما در مورد همه افراد به یکسان به اجرا در می‌آید.</p> <p>- میزان اختلاس در کشور ما رو به فزونی است.</p> <p>- به نظر من قوانین بخوبی در جامعه به اجرا درآمده و هنجارها در جامعه رعایت می‌شود.</p>

تجربه عینی:

جدول شماره ۳ - نتیجه روایی گویه‌های مربوط به تجربه عینی

روایی	گویه‌ها
۰/۷۳۵	<p>- آیا خود شما یا خانواده‌تان سابقه حضور در جبهه را داشته‌اید؟</p> <p>- آیا در خانواده و نزدیکان خود کسی را دارید که در جریان انقلاب و یا جنگ تحمیلی به شهادت رسیده و یا دچار معلولیت جانبازی گردیده باشد؟</p> <p>- آیا در دوران قبل از انقلاب خود شما یا اعضای خانواده‌تان سابقه فعالیت سیاسی را داشته‌اید؟</p>

تجربه ذهنی:

جدول شماره ۴- نتیجه روایی گویه‌های مربوط به تجربه ذهنی

روایی	گویه‌ها
۰/۹۴	<ul style="list-style-type: none"> - به نظر من انقلاب اسلامی حاصل خون جوانان بسیاری است و ما با هر طرز فکری که داریم، باید به پاس احترام به خون شهیدان از آن دفاع کنیم. - انقلاب اسلامی باعث سربلندی نام ایران در جهان گردیده است. - انقلاب اسلامی باعث استقلال ایران و کوتاه شدن دست بیگانگان از ایران شده است. - ارزش‌های اسلامی بیش از هر جای دنیا در نظام جمهوری اسلامی تحقق یافته است. - در شرایط فعلی حضور بسیج یک ضرورت است. - اگر خدای نخواست، مجدداً جنگی بر کشور تحمیل شود، جوانان ایران با جان و دل از کشور دفاع خواهند کرد. - بسیج با حضور در نهادهای دولتی و غیردولتی و مساجد بخوبی توانسته جوان‌ها را به انقلاب و ارزش‌های اسلامی جذب نماید. - اگر حادثه‌ای نظیر جنگ پیش آید، حاضر به دفاع از نظام و آب و خاک کشور هستم.

انسجام نهادی، سیاسی:

جدول شماره ۵- نتیجه آزمون روایی شاخص‌های مربوط به ارزیابی نسل‌ها از انسجام نهادی سیاسی

روایی	گویه‌ها
۰/۹۶	<ul style="list-style-type: none"> - معتقدم که مسئولین و کارگزاران دولتی از احساس مسئولیت لازم نسبت به مردم برخوردارند. - به نظر من مسئولین بر اساس وعده‌هایی که به مردم می‌دهند، خود را مسئول دانسته و همواره در کارها رضایت مردم را در نظر قرار می‌دهند. - امکانات و خدمات رفاهی در جامعه ما به صورت عادلانه توزیع می‌شود. - شعارهای تبلیغاتی نمایندگان مردم و دولتمردان کمتر به مرحله تحقق می‌رسد. - سازمان‌های دولتی در جامعه ما بگونه‌ای عمل می‌کنند که افراد به راحتی برای احقاق حقوق خود می‌توانند به آن سازمان‌ها مراجعه نمایند. - مسئولین در مواجهه با مردم روراست بوده و به راحتی توانمندیها و کاستی‌ها را به اطلاع مردم می‌رسانند. - به نظر من رفتار نهادها و سازمان‌های دولتی در مواجهه با مردم رفتاری صادقانه و توأم با احترام می‌باشد. - چون در جامعه، قواعد و مقررات از سوی مردم رعایت می‌شود، افراد کمتر به خود اجازه می‌دهند که حقوق دیگران را زیر پا بگذارند.

روایی	گویه‌ها
	<p>- بطور کلی عملکرد نظام به نفع مردم است.</p> <p>- اکثریت نهادها و سازمان‌ها مردم‌دار هستند و بخوبی با مراجعین برخورد می‌کنند.</p> <p>- همه دست‌اندرکاران کشور در قبال افراد جامعه احساس مسئولیت می‌کنند.</p> <p>- برنامه‌های سیاسی نظام به بهبود اوضاع مردم می‌انجامد.</p> <p>- مسئولین توانایی آن را دارند که بخوبی برای کشور برنامه‌ریزی کرده و آن را به اجرا گذارند.</p> <p>- من معتقدم که مسئولین دولتی از هوشمندی لازم برای اداره کشور برخوردارند.</p> <p>- در جامعه ما هر فرد و هر سازمان به وظایف خود آشناست. بنابراین سعی می‌کنند که مطابق با قواعد و مقررات عمل کنند.</p> <p>- نهادهای مختلف دولتی بخوبی از عهده وظایف خود برآمده و می‌توانند جوابگوی نیازهای مردم باشند.</p> <p>- اوضاع اقتصادی و اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نیست، بنابراین بسیاری از افراد از سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بلند مدت پرهیز می‌کنند.</p> <p>- برنامه‌های دولت در مسیر درستی پیش می‌رود.</p>

یافته‌های تحقیق

الف - نتایج توصیفی:

بیکار، ۲۲/۱ درصد محصل یا دانشجو، ۱۹/۷ درصد خانه‌دار و ۶/۸ درصد را نیز افراد بازنشسته تشکیل می‌دهند.

- از مجموع پاسخگویان مورد مطالعه، ۳۷۰ نفر از شهروندان مرد و ۳۳۶ نفر زن می‌باشند.

- از تعداد کل پاسخگویان، بیشترین تعداد در سطح تحصیلی کارشناسی قرار داشته‌اند. این تعداد ۳۲/۲ درصد بوده است و در مقابل ۰/۳ درصد بی‌سواد، ۰/۴ درصد دارای سوادخواندن و نوشتن، ۰/۷ درصد سواد نهضت سوادآموزی، ۷ درصد سواد ابتدایی، ۸/۹ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۲۹/۳ درصد تحصیلات دبیرستان، ۱۸/۱ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم و ۳/۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند.

- حدود ۷۷ درصد پاسخگویان در گروه‌های سنی بین ۱۵ تا ۴۴ سال قرار دارند.

- در بین پاسخگویان، ۴۹/۳ درصد متأهل، ۴۶/۷ درصد مجرد، ۱/۶ درصد مطلقه و ۲/۱ درصد بی‌همسر در اثر فوت همسر می‌باشند.

- با توجه به نتایج بدست آمده از کل نمونه آماری مورد مطالعه، ۳۷ درصد را شاغلین، ۱۴/۴ غیرشاغلین و یا افراد

جدول شماره ۶ - میانگین ابعاد اعتماد اجتماعی

ابعاد اعتماد اجتماعی	میانگین	نما	وضعیت پاسخگویان
اعتماد به نهادها و شاغل دولتی	۳/۷۲	۳/۵	نسبتاً کم
اعتماد به مشاغل نیمه دولتی و غیردولتی	۳/۳۷	۳/۲۲	نسبتاً کم
اعتماد به نهادهای غیردولتی	۳/۹۰	۴/۰۰	کم
اعتماد به مشاغل غیردولتی	۴/۷۶	۵/۰۰	نسبتاً کم و کم
اعتماد به اعضای خانواده	۱/۸۵	۱/۰۰	بسیار زیاد و زیاد
اعتماد به اطرافیان	۴/۱۷	۳/۸۰	نسبتاً کم و کم
آینده‌گرایی	۲/۰۹	۱/۰۰	زیاد
تمایلات همکاری جویانه	۲/۱۸	۲/۲۵	زیاد و نسبتاً زیاد
سوءظن به اطرافیان	۴/۱۵	۴/۳۳	نسبتاً زیاد
کمک به دیگران	۲/۶۶	۲/۶۷	نسبتاً زیاد
صداقت و درستکاری	۲/۰۲	۱/۰۰	زیاد
کمک به افراد غریبه	۴/۱۰	۴/۰	نسبتاً کم
اطمینان	۴/۵۳	۵/۲۵	کم

- متغیر اعتماد اجتماعی به عنوان متغیر وابسته ابعاد مختلفی دارد که هر یک از این ابعاد به تفکیک توصیف گردیده‌اند.

با بررسی اجمالی و کلی ابعاد مختلف متغیر اعتماد اجتماعی می‌توان مقایسه‌ای کلی بین ابعاد مختلف انجام داد. مطابق با جدول مذکور افراد جامعه آماری اعتماد کم و یا نسبتاً کمی به نهادهای دولتی، غیردولتی و مشاغل دولتی داشته‌اند. هم چنین در عین اینکه میزان تمایلات همکاری جویانه و تمایل به کمک به دیگران و صداقت و درستکاری در بین پاسخگویان زیاد و یا نسبتاً زیاد بوده است، تمایل به کمک به افراد ناآشنا نسبتاً کم بوده است و

این ناشی از میزان بالای سوءظن در بین پاسخگویان می‌تواند باشد. در مقایسه اعتماد درون‌گروهی و برون‌گروهی می‌توان چنین استنباط کرد که افراد جامعه آماری همانقدر که اعتماد بالا و یا نسبتاً بالایی به اعضای خانواده خود داشته‌اند، از اعتماد کم و یا نسبتاً کمی نسبت به افرادی غیر از خانواده (اقوام، دوستان، همکاران، همسایگان و همشهری‌ها) برخوردار بوده‌اند. هم چنین در عین اینکه میزان آینده‌گرایی در بین پاسخگویان بالا بوده، از درجه اطمینان کمتری برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر در عین اینکه افراد جامعه تمایل دارند که در زندگی و برای رسیدن به چیزهای بهتر و بیشتر تلاش کنند و به نتیجه

تلاش‌هایشان امیدوارند، ولی در عین حال، از جایگاه افراد در جامعه و ارتباطات بین آنها و دیگران و یا از بی‌توجهی دیگران، احساس ناامنی کرده و از مواجهه با آینده هراس دارند.

- از نتایج توصیفی مربوط به ارزیابی از انسجام هنجاری در سطح جامعه، چنین استنباط می‌شود که ۴۲/۴ درصد از پاسخگویان ارزیابی نسبتاً پایینی از رعایت هنجارها در سطح جامعه دارند و در مقابل ۳۲/۴ درصد از پاسخگویان معتقدند که جامعه به لحاظ هنجاری از انسجام نسبتاً بالایی برخوردار است. هم چنین ۲۵ نفر (۳/۶ درصد) اظهار داشته‌اند که جامعه از انسجام زیاد و یا بسیار زیادی برخوردار است و در مقابل ۱۵/۸ درصد ارزیابی پایین و یا بسیار پایینی از رعایت هنجارها و امنیت در سطح جامعه داشته‌اند.

- مطابق با نتایج توصیفی مربوط به ارزیابی از انسجام نهادی و سیاسی در سطح جامعه می‌توان نتیجه گرفت که ۳۲/۷ درصد افراد میزان انسجام نهادی سیاسی را نسبتاً زیاد ارزیابی نموده و در عین حال ۱۹/۵ درصد نیز نسبتاً مخالف انسجام نهادی سیاسی در سطح جامعه بوده‌اند. رویهم رفته ۱۷/۹ درصد میزان انسجام نهادی سیاسی را

پایین و یا بسیار پایین ارزیابی نموده‌اند و در مقابل ۲۳/۸ درصد انسجام نهادی سیاسی را در سطح بالا و یا بسیار بالا می‌دانند. به عبارت دیگر بطور متوسط پاسخگویان انسجام نهادی سیاسی را در سطح جامعه نسبتاً پایین ارزیابی نموده‌اند.

- با توجه به موضوع تحقیق و تعریف نسل، افراد پاسخگو به سه گروه سنی جوان، میانسال و بزرگسال تقسیم گردیده‌اند. نتایج آزمون آنالیز واریانس نشان می‌دهد که بین گروه‌های سنی سه گانه از نظر اعتماد اجتماعی تفاوت وجود دارد. بر اساس آزمون LSD بین گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۹ سال با ۳۰ تا ۵۴ سال و نیز بین گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۹ سال با ۵۵ سال و بالاتر از لحاظ اعتماد اجتماعی تفاوت وجود دارد.

ب- نتایج استنباطی :

بر اساس ضرایب بتای بدست آمده و ارائه شده در جدول شماره ۷، متغیر تجربه ذهنی بیشترین تاثیر را در تبیین تغییرات متغیر اعتماد اجتماعی برعهده دارد و در مرتبه بعدی متغیر سن قرار می‌گیرد و در نهایت تجربه عینی در مقایسه با دو متغیر دیگر، کمترین تاثیر را در تبیین واریانس متغیر وابسته داشته است.

جدول شماره ۷- نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره بین اعتماد اجتماعی و متغیرهای مستقل

متغیرها	R	R ²	β	T	sig
اعتماد اجتماعی و سن	۰/۱۵۸	۰/۰۲۵	-۰/۱۵۸	-۳/۸۲۳	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی و تجربه عینی	۰/۱۳۹	۰/۰۱۹	۰/۱۳۹	۲/۵۲۲	۰/۰۱۲
اعتماد اجتماعی و تجربه ذهنی	۰/۳۶۲	۰/۱۳۱	۰/۳۶۲	۹/۱۳۹	۰/۰۰۰

هم چنین براساس مقادیر آزمون تفاوت میانگین‌ها، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نسل‌های مختلف براساس تجربه عینی و تجربه ذهنی‌شان از لحاظ اعتماد اجتماعی با هم تفاوت دارند و این تفاوت در سطح خطای ۵ درصد معنادار می‌باشد. به عبارت بهتر هرچه میزان تجربه ذهنی بالا می‌رود، بر میزان اعتماد اجتماعی افزوده می‌گردد. بعلاوه بین کسانی که تجربه جنگ و انقلاب را دارند و کسانی که این تجربه را ندارند، در میزان اعتماد اجتماعی تفاوت وجود دارد. و در نهایت اگر بخواهیم براساس سن افراد قضاوت کنیم کسانی که به لحاظ سنی متعلق به قبل از جنگ و انقلاب و یا دوران انقلاب و جنگ هستند در

اعتماد اجتماعی با افرادی که به لحاظ سنی متعلق به دوران بعدازجنگ و انقلاب می‌باشند، تفاوت دارند. براساس نتایج جدول شماره ۸، متغیر تجربه ذهنی بیشترین تاثیر را در ارزیابی از انسجام هنجاری در سطح جامعه برعهده دارد. به عبارت بهتر، هرچه میزان تجربه ذهنی بالا می‌رود، ارزیابی مطلوب‌تری از انسجام هنجاری در سطح جامعه صورت می‌گیرد. بعلاوه بین کسانی که تجربه جنگ و انقلاب را دارند و کسانی که این تجربه را ندارند، در میزان ارزیابی از انسجام هنجاری تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۸ - نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره بین انسجام هنجاری و متغیرهای مستقل

متغیرها	R	R ²	β	T	sig
انسجام هنجاری و سن	۰/۲۰۴	۰/۰۴۲	-۰/۲۰۴	-۵/۳۷۸	۰/۰۰۰
انسجام هنجاری و تجربه عینی	۰/۱۰۵	۰/۰۱۱	۰/۱۰۵	۲/۰۷۱	۰/۰۳۹
انسجام هنجاری و تجربه ذهنی	۰/۵۴۰	۰/۲۹۲	۰/۵۴۰	۱۶/۳۱۵	۰/۰۰۰

و در نهایت، کسانی که به لحاظ سنی متعلق به قبل و یا دوران انقلاب و جنگ هستند، در میزان ارزیابی از انسجام هنجاری با افرادی که به لحاظ سنی متعلق به دوران بعدازجنگ و انقلاب می‌باشند، تفاوت دارند.

براساس نتایج بدست آمده از جدول زیر، متغیر تجربه ذهنی بیشترین تاثیر و متغیر تجربه عینی کمترین تاثیر را در ارزیابی از انسجام

جدول شماره ۹ - نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره بین انسجام نهادی و متغیرهای مستقل

متغیرها	R	R ²	β	T	sig
انسجام نهادی و سن	۰/۲۵۲	۰/۰۶۳	-۰/۲۵۲	-۶/۶۶۴	۰/۰۰۰
انسجام نهادی و تجربه عینی	۰/۱۱۷	۰/۰۱۴	۰/۱۱۷	۲/۳۲۲	۰/۰۲۱
انسجام نهادی و تجربه ذهنی	۰/۷۱۵	۰/۵۱۲	۰/۷۱۵	۲۵/۹۴۱	۰/۰۰۰

نهادی بر عهده دارد. همچنین از آزمون تفاوت میانگین‌ها بین انسجام نهادی و متغیرهای مستقل چنین نتیجه می‌شود که نسل‌های مختلف براساس تجربه عینی و ذهنی‌شان در ارزیابی از انسجام نهادی با هم تفاوت دارند. در نهایت، برطبق گروه سنی، افراد متعلق به قبل و یا زمان جنگ و انقلاب در ارزیابی از انسجام نهادی با افراد متعلق به دوران بعد از جنگ و انقلاب تفاوت دارند.

نتایج جدول، حاکی از آن است که متغیر سن و متغیر تجربه ذهنی در افزایش میزان تبیین متغیر اعتماد

اجتماعی براساس ارزیابی از انسجام هنجاری تاثیرگذار هستند. بنابراین می‌توان گفت افراد متعلق به دوران قبل از جنگ و انقلاب، در مقایسه با افراد متعلق به دوران بعد از جنگ و انقلاب، ارزیابی مطلوب‌تری از انسجام هنجاری در سطح جامعه داشته باشند و به همان نسبت میزان اعتماد اجتماعی در بین آنها افزایش خواهد یافت و برعکس.

جدول شماره ۱۰- نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره بین اعتماد اجتماعی، انسجام هنجاری و متغیرهای مستقل

متغیرها	R	R ²	β	T	sig
اعتماد اجتماعی و انسجام هنجاری	۰/۴۲۱	۰/۱۷۷	۰/۴۲۱	۱۰/۸۵۱	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی، انسجام هنجاری و سن	۰/۴۲۸	۰/۱۸۳	۰/۴۷ -۰/۰۷۹	۱۰/۱۸۳ -۱/۹۹۵	۰/۰۰۰ ۰/۰۴۰
اعتماد اجتماعی، انسجام هنجاری و تجربه عینی	۰/۳۸۴	۰/۱۴۸	۰/۳۵۹ ۰/۱۰۰	۶/۷۹۶ ۱/۸۸۶	۰/۰۰۰ ۰/۰۶۰
اعتماد اجتماعی، انسجام هنجاری و تجربه ذهنی	۰/۴۵۶	۰/۲۰۸	۰/۳۳۱ ۰/۱۸۳	۷/۲۳۵ ۳/۹۹۲	۰/۰۰۰ ۰/۰۰۰

در این راستا ارزیابی افراد دارای تجربه حضور در جبهه یا انقلاب، از انسجام هنجاری در جامعه، در مقایسه با افرادی که فاقد این تجربه هستند، تاثیری در میزان اعتماد اجتماعی نخواهد داشت. بنابراین در عین اینکه میزان ارزیابی افراد از انسجام هنجاری در سطح جامعه بر میزان اعتماد اجتماعی تاثیرگذار می‌باشد، بین نسل‌های مختلف به لحاظ داشتن و نداشتن تجربه حضور یا عدم

حضور در جنگ و انقلاب تفاوتی در این خصوص مشاهده نمی‌شود.

مطابق با جدول شماره ۱۱، متغیر انسجام نهادی قدرت تبیین قسمتی از تغییرات متغیر اجتماعی (به میزان ۳۵/۷ درصد) را دارد. با این حال در تحلیل سه متغیره به خوبی مشاهده می‌شود که تجربه ذهنی می‌تواند قدرت تبیین متغیر اعتماد اجتماعی را توسط انسجام هنجاری افزایش دهد و رابطه بین این سه متغیر معنادار است. ولی با

افزودن متغیر سن و یا متغیر تجربه عینی به معادله رگرسیونی، رابطه معناداری بین متغیرها مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره ۱۱- نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره بین اعتماد اجتماعی، انسجام نهادی و متغیرهای مستقل

متغیرها	R	R ²	β	T	sig
انسجام نهادی و اعتماد اجتماعی	۰/۳۵۷	۰/۱۲۸	۰/۳۵۷	۸/۸۵۸	۰/۰۰۰
انسجام نهادی، اعتماد اجتماعی و سن	۰/۳۶۴	۰/۱۳۳	-۰/۰۷۴	۸/۱۲۶ -۱/۷۶۸	۰/۰۰۰ ۰/۰۷۸
انسجام نهادی، اعتماد اجتماعی و تجربه عینی	۰/۳۶۱	۰/۱۳۰	۰/۳۵۱	۸/۵۳۳ ۱/۸۴۹	۰/۰۰۰ ۰/۰۶۵
انسجام نهادی، اعتماد اجتماعی و تجربه ذهنی	۰/۳۹۱	۰/۱۵۳	۰/۲۰۱	۳/۴۶۹ ۳/۸۲۳	۰/۰۰۱ ۰/۰۰۰

بنابراین ارزیابی از انسجام نهادی توسط نسل‌های متعلق به دوران قبل از انقلاب و جنگ و بعد از دوران انقلاب و جنگ) می‌تواند در میزان اعتماد اجتماعی آنها تاثیر گذار باشد. ولی تفاوتی بین اعتماد اجتماعی نسل‌های مختلف براساس نحوه ارزیابی شان از انسجام نهادی در سطح جامعه وجود ندارد.

براساس نتایج بدست آمده از آزمون رگرسیونی، متغیر انسجام هنجاری ۷۲ درصد از تغییرات متغیر انسجام

نهادی را می‌تواند تبیین نماید. در این راستا، تجربه ذهنی بیشترین تاثیر را در مقایسه با سن و تجربه عینی داشته است. بنابراین نتیجه می‌شود که براساس حضور یا عدم حضور افراد در انقلاب و جنگ (تجربه عینی) تفاوتی بین ارزیابی نسل‌های مختلف در انسجام نهادی در سطح جامعه وجود ندارد. ولی براساس ذهنیت نسبت به جنگ و انقلاب می‌توان نتیجه گرفت که نحوه ارزیابی نسل‌ها از انسجام هنجاری، بر ارزیابی از انسجام نهادی تاثیر گذار می‌باشد.

جدول شماره ۱۲- نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره بین انسجام نهادی، انسجام هنجاری و متغیرهای مستقل

متغیرها	R	R ²	β	T	sig
انسجام هنجاری و انسجام نهادی	۰/۷۲۲	۰/۵۲۱	۰/۷۲۲	۲۶/۱۰۷	۰/۰۰۰
انسجام هنجاری، انسجام نهادی و سن	۰/۷۲۸	۰/۵۳۱	۰/۷۰۱	۲۵/۰۱۳ -۳/۵۸۸	۰/۰۰۰ ۰/۰۰۰
انسجام هنجاری، انسجام نهادی و تجربه ذهنی	۰/۸۱۶	۰/۶۶۶	۰/۶۷۳	۱۶/۹۵۸ ۱۶/۳۱۶	۰/۰۰۰ ۰/۰۰۰
انسجام هنجاری، انسجام نهادی و تجربه عینی	۰/۷۲۵	۰/۵۲۵	۰/۷۲۴	۲۵/۷۸۸ ۰/۴۳۱	۰/۰۰۰ ۰/۶۶۶

- در تحلیل چند متغیره ، برای تعیین سهم تاثیر گذاری نسبی هریک از متغیرهای مستقل بر روی اعتماد اجتماعی از تحلیل رگرسیونی چند متغیره به روش گام به گام استفاده شد. از بین متغیرهای مستقل متغیرهای انسجام هنجاری و تجربه ذهنی وارد معادله شدند که در

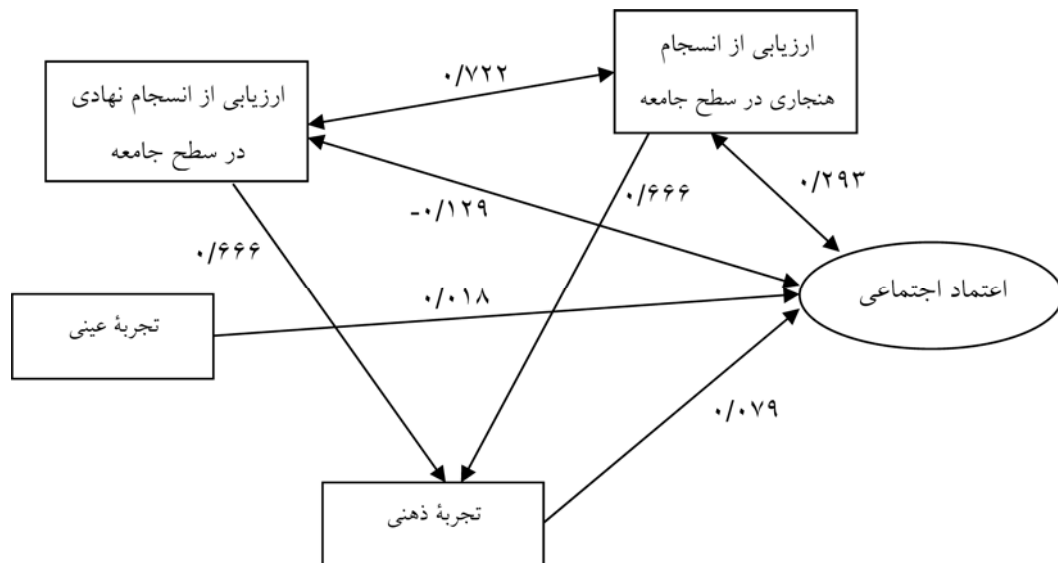
مجموع ۰/۲۱۶ درصد از تغییرات مربوط به اعتماد اجتماعی را این دو متغیر تبیین می کنند و مابقی واریانس تبیین نشده متأثر از متغیرهای دیگری است که در مدل این تحقیق آورده نشده اند.

جدول شماره ۱۳ - نتایج تحلیل مسیر میزان اعتماد اجتماعی بر اساس متغیرهای تحقیق

اثرات تحلیل نشده	اثرات تحلیل شده	معنی داری	نوع اثر			متغیرهای مستقل
			اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰/۷۸۴	۰/۲۱۶		۰/۰۱۸	-	۰/۰۱۸	تجربه عینی
		*	۰/۱۹۸۱	۰/۱۱۹۱	۰/۰۷۹	تجربه ذهنی
		*	-۰/۰۰۸۱	۰/۱۲۰۹	-۰/۱۲۹	انسجام نهادی
		*	۰/۴۵۸	۰/۱۵۱۵	۰/۲۹۳	انسجام هنجاری

بر اساس جدول شماره فوق، در مرتبه اول متغیر انسجام هنجاری قرار می گیرد که اثر کل این متغیر بر متغیر وابسته ۰/۴۵۸ بوده و بیش از سایر متغیرها می باشد. نتایج تحلیل مسیر نشان می دهد که متغیر انسجام هنجاری

دارای بیشترین اثر و متغیر انسجام نهادی دارای کمترین تاثیر گذاری بر متغیر اعتماد اجتماعی بوده است. در اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر انسجام هنجاری دارای بیشترین تاثیر بوده است.



نتیجه‌گیری

اعتماد اجتماعی یکی از موضوعات مهم اجتماعی است که تحقیقات بسیاری بر روی آن انجام گرفته است. بنابر این در این پژوهش، با توجه به بحث "نسل تاریخی" و "تجربه‌های نسلی" مانهایم از یک سو و نظریه "شدن اجتماعی" زتومکا از سوی دیگر، به بحث پیرامون اعتماد اجتماعی نسل‌های مختلف پرداخته شده است. مسئله‌ای که در اینجا مطرح بوده، توجه به تفاوت یا عدم تفاوت در اعتماد اجتماعی نسل‌ها و عوامل تاثیرگذار بر آن می‌باشد.

اعتماد اجتماعی دارای ابعاد مختلف بوده که هر یک از این ابعاد به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است. در مقایسه ابعاد اعتماد اجتماعی، نتایج تحقیق، نشان دهنده بیشترین مقدار اعتماد اجتماعی در بعد اعتماد درون گروهی می‌باشد. در اعتماد بین شخصی ۸۷ درصد پاسخگویان خانواده را در اولویت اول مطرح کرده و سپس اقوام و خویشاوندان (۳۸.۸ درصد) و بعد دوستان، همسایه‌ها، همکاران و همشهری‌ها را انتخاب نموده‌اند. این تحقیق، نتایج تحقیقات طرح ارزشها و نگرشهای ایرانیان در سال ۱۳۸۰ و نیز تحقیقات غلامرضا کاشی و آزاد ارمکی را تأیید می‌نماید و نشان دهنده اعتماد درون گروهی در مقابل اعتماد برون گروهی در بین افراد جامعه می‌باشد.

در مورد اعتماد به نهادها و سازمانها، مقدار میانگین برابر با ۴ نشان دهنده اعتماد نسبتاً کم به نهادها و سازمانها در سطح جامعه می‌باشد. در عین حال دو موضوع در اینجا وجود دارد، یکی بحث اولویت نهادها در دیدگاه مردم و

مرتب بندی میزان اعتماد نسبت هر یک از آنها می‌باشد و دیگری بحث انتظارات مبتنی بر اعتماد به نهادها و سازمانها می‌باشد که زتومکا آن را تحت عنوان اعتماد نهادی مطرح می‌سازد. در مورد موضوع اول ارتش، بانک‌های دولتی در اولویت اول قرار می‌گیرد و نیروی انتظامی، بانک‌های خصوصی، سازمان اوقاف، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، قوه مجریه و محاکم قضایی در اولویت دوم و صدا و سیما، شوراها، مدارس غیر انتفاعی و احزاب سیاسی در اولویت سوم اعتماد قرار می‌گیرند. در مورد موضوع دوم، به عنوان مثال، پاسخگویان انتظار کارآیی و قابلیت و صداقت را از قوه مجریه، انتظار انصاف و عدالت در مورد دادگاه‌های قضایی، انتظار کمک بی‌طرفانه و صادقانه به افراد را از بانک‌ها و مدارس و دانشگاهها، انتظار صداقت و راستگویی و کارآیی و بی‌طرفی را از مجلس شورای اسلامی و خبرگان و صداوسیما و..... داشتند و در این راستا نهادها و سازمان‌های فوق را کمتر قابل اعتماد می‌دانستند. این نتایج تقریباً همانند نتایج تحقیقی است که زتومکا در کشور لهستان بعد از فروپاشی کمونیسم انجام داده بود.

زتومکا از انتظارات توأم با نقش سخن به میان می‌آورد و معتقد است که بر اساس آن انتظارات است که اعتماد به مشاغل و صاحبان حرف مختلف شکل می‌گیرد. در مورد اعتماد به مشاغل مختلف بیشترین اعتماد به معلمین، و دانشگاهیان و هنرمندان و کمترین اعتماد به بنگاه داران و بازاریان ابراز شده است.

شدن، تخصیص نقش، نهادی شدن و کنترل اجتماعی. یکی از عناصر محوری در این سازوکارها وجود رابطه بین فرد و جمع است. در صورت برقراری این رابطه، استانداردهای هنجاری و انگاره‌های ارزشی طی فرآیند اجتماعی شدن در فرد درونی می‌شود و در این میان، کنشگران در هماهنگی با انتظارات نقش، نقش خاصی بر عهده می‌گیرند.

اگر ساختار فرهنگی سیاسی در درون خود فاقد قابلیت جذب افراد و اعطای نقش به آنها باشد، جامعه در برقراری رابطه میان فرد و جمع دچار اختلال شده و با مشکل انسجام روبرو خواهد شد. در این صورت، نهادی شدن ارزش‌ها، کنترل گرایش‌های انحرافی و حفظ الگوهای فرهنگی سیاسی با مشکلات جدی روبرو خواهد بود. زمانی که با تمایز پذیری نقش‌ها، نهادها شکل گرفته و به افراد در درون این نهادها نقش‌های لازم داده شود، در چنین شرایطی افراد عمیقاً به نظام وابسته‌اند. زیرا فرد به رغم ارتباط منسجم، در جریان اجتماعی شدن، نقش‌پذیری و فرهنگ‌پذیری برخی از اعمال را به عنوان نوعی تمایل و نیاز و به مثابه جزئی از شخصیت خود می‌پندارد و با حرکت در جهت آنها احساس رضایت می‌کند و هم‌چنین در نظام تعامل بین خود و دیگری، نظام حقوق و تکالیف و نظام انتظارات متقابل شکل می‌گیرد. در عین حال، از نظر اینگلهارت سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد موجب می‌شود که شخص به احتمال زیاد نظام سیاسی موجود را نپذیرد.

بر اساس بحث ارزش‌های مادی و فرامادی اینگلهارت و بحث تجارب نسلی مانهایم و نیز زتومکا، نتایج تحقیق

در ابعاد اعتماد، به جز در بعد اعتماد به مشاغل نیمه دولتی آینده‌گرایی، تمایلات همکاری جویانه، صداقت و کمک به افراد ناآشنا، در بقیه ابعاد اعتماد (اعتماد به نهادها و مشاغل دولتی، اعتماد به مشاغل آزاد، اعتماد به نهادهای غیر دولتی، اعتماد برون‌گروهی و درون‌گروهی، سوءظن، اطمینان و کمک به دیگران) بین افراد دارای تحصیلات متفاوت، تفاوت معنادار است. هم‌چنین بر اساس نتایج بدست آمده، تحصیلات مادر و پدر پاسخگویان تأثیری در تغییر در میزان اعتماد اجتماعی افراد جامعه ندارد. این نتایج تا حدودی با نتایج بدست آمده از تحقیقات زتومکا تفاوت دارد. ولی تقریباً با نتایج داده‌های پیمایش ارزشی اروپا در سال ۱۹۸۱ که در سطح ۹ کشور اروپای غربی انجام شده است، همخوانی دارد.

زتومکا در بحث در مورد تمایلات همکاری جویانه و آینده‌گرایی معتقد است که بنظر می‌رسد مردم «بحث‌تقدیر» را کنار گذاشته و «بحث‌عاملیت» را پذیرفته‌اند. طبق تحقیقات وی، این ادعا که «موفقیت‌های زندگی فقط به تلاش‌های خودمان بستگی دارد»، توسط ۶۸ درصد از پاسخگویان در ۱۹۹۴ و ۷۶ درصد در ۱۹۹۶ مورد تأیید قرار گرفته است. به همین منوال، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میزان آینده‌گرایی با به سن، جنس، وضع تأهل، وضع اشتغال، تحصیلات و یا طبقه خاصی نداشته و حدود ۸۰ درصد افراد به آینده خود امیدوارند و معتقدند که «نمی‌شود نشست و منتظر بود، بلکه باید در زندگی همواره تلاش کرد».

بر اساس نظریه پارسونز، در هر نظام اجتماعی برای تأمین نیازها چهار سازوکار عمده وجود دارد، اجتماعی

تفاوت بین نسلها را در ارزیابی از فضای اخلاقی جامعه بخوبی نشان می‌دهد.

آزاد ارمکی در بحث بر روی مسائل نسلی و اینکه در برخی جاها شاهد تفاوت و در جاهای دیگر تعارض بین نسل‌ها هستیم، معتقد است که در جامعه ما مسئله بی‌اعتمادی مختص یک نسل خاص نیست، بلکه این بی‌اعتمادی در بین همه نسل‌ها دیده می‌شود ولی کم و زیاد دارد (آزاد ارمکی ۱۳۸۳: ۱۴۰). بر اساس نتایج تحقیق حاضر، رابطه بین اعتماد اجتماعی، تجربه عینی و تجربه ذهنی معنادار می‌باشد و این نشان می‌دهد که با اینکه بین همه نسلها نوعی بی‌اعتمادی وجود دارد (با توجه به میانگین اعتماد برابر با ۳/۴۰ و عدم معنی داری رابطه اعتماد اجتماعی بامتغیر سن)، ولی با این حال، بین اعتماد اجتماعی نسل‌های مختلف تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در جامعه ما پدیده‌ای چند بعدی است و تغییرات آن نه تنها متأثر از عوامل فردی است، بلکه از شرایط ساختاری نیز تاثیر می‌پذیرد و بر این اساس نتیجه میشود که در شکل‌گیری اعتماد هم باید به عوامل سطح خرد و هم کلان توجه نمود و فقط در این صورت است که می‌توان تبیینی نسبتاً کامل و جامع از اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن ارائه داد.

پیشنهادها

اغلب مطالعات در سال‌های اخیر حاکی از روند نزولی اعتماد اجتماعی و مدنی در کشور ما بوده است. در

عین حال، در بحث روابط نسلی، آشکارا شاهد تحقیقاتی هستیم که در مورد شکاف، تعارض و تفاوت نسلی سخن به میان آورده‌اند.

در این راستا نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در مجموع، در شهر تبریز، میانگین اعتماد اجتماعی برابر با ۳/۴۵ بوده و حاکی از این است که اعتماد اجتماعی در بین شهروندان در حد نسبتاً کم و نسبتاً زیاد بوده است. در عین حال، در بحث اعتماد نسل‌ها، مطابق با نتایج تحقیق صورت گرفته، میزان اعتماد بنیادی در بین همه نسلها (بر اساس گروه سنی و تجربه ذهنی) یکسان بوده و تفاوتی با هم ندارند. ولی در اعتماد برون‌گروهی بین نسل‌ها (بر اساس تجربه عینی) تفاوت مشاهده می‌شود و در نهایت، در بحث اعتماد تعمیم یافته، تجربه عینی، عامل مهم و تأثیرگذار بر تفاوت در اعتماد نسل‌ها بوده است. با در نظر گرفتن موارد ذکر شده، به صورت اجمالی می‌توان پیشنهادهایی را ارائه نمود:

تحقیقات تجربی فراوانی نشان داده که بین رفتار حکومت و اعتماد رابطه وجود دارد (پاتنام ۱۹۹۳، اینگلهارت ۱۹۹۹، نیوتون ۲۰۰۱ و پکستون ۲۰۰۲). بر اساس تئوری دموکراسی و حکومت عادلانه (وینگست ۱۹۹۸: ۱۶۵، لوی و استوکر ۲۰۰۰: ۴۹۳)، دموکراسی مجموعه‌ای از نهادهایی است که رهبران سیاسی را وادار می‌کند که بگونه‌ای رفتار کنند که مردم به آن‌ها اعتماد داشته باشند. وجود تفکیک قوا، برگزاری انتخابات منظم و مکرر، آزادی گردش اطلاعات، اندیشه‌ها و آرا در جامعه، حاکمیت قانون، وجود مطبوعات و رسانه‌های آزاد و سیستم نظارت بردولت سبب می‌شود که دولت

رفتار اعتماد آمیزی از خود نشان دهد. بعلاوه اعتماد اجتماعی امری جمعی است و در ارتباط بین اعمال و عملکرد مردم و حکومت شکل می گیرد. یعنی در عین اینکه عملکرد مسئولین و نخبگان حکومتی بر اعتماد عمومی موثر است، مردم نیز باید رفتار اعتماد آمیزی داشته باشند.

حاکمیت اصول اخلاقی و عمل به هنجارها در سطح جامعه از طریق بیداری وجدان های تک تک افراد جامعه و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی و گردن نهادن به قانون و هنجارمندی امکان پذیر است. از سوی دیگر، شفافیت در عملکرد و احساس مسئولیت مسئولین و نخبگان حکومتی جامعه را به سوی اعتماد متقابل سوق می دهد.

بر طبق نتایج بدست آمده، با اینکه میزان تمایلات همکاری جویانه در بین همه نسل ها (جوان، میانسال و بزرگسال) در حد متوسط به بالایی باشد ولی از اطمینان و احساس امنیت کمتری برخوردارند و در عین حال، میزان تمایل به همکاری در انجمن ها و فعالیت های داوطلبانه در بین همه نسل ها در سطح پایینی قرار دارد. از سوی دیگر در اعتماد به نهادها و سازمانها، شوراها و احزاب سیاسی نمره بسیار پایینی را از نظر اعتماد کسب نموده اند. بر اساس نظر پاتنام آن دسته از انجمن های داوطلبانه که با گرد آوردن افراد مختلف برای انجام کار مشترک، سعی می کنند شکاف های اجتماعی را پر نمایند، بیشتر می توانند به آموزش اعتماد و همکاری و گسترش آن کمک نمایند. به عقیده پاتنام، افراد با همکاری با هم اعتماد رami آموزند (صدیق سروستانی ۱۳۸۲: ۴۹). حال این سوال پیش می آید که چرا میزان تمایل به همکاری

های داوطلبانه در جامعه و در بین نسل های مذکور پایین می باشد؟ آیا می توان چنین نتیجه گرفت که این امر تا حدی ناشی از عدم وجود تعامل بین نسل ها و فقدان گفتمان بین نسلی می باشد و یا اینکه نسل مشارکت کننده در جنگ و انقلاب (نسل میانسال و بزرگسال) حاضر به واگذاری مسئولیت و مشارکت دادن نسل جوان (بدون تجربه تاریخی) در امور جامعه نبوده است. در این راستا پیشنهاد می شود که در جهت افزایش فضای تعامل و همکاری های داوطلبانه و انجمنی در سطح جامعه از همه نسل ها در کارها مشارکت داده شود. زیرا شرکت افراد همه گروه ها و نسل ها در انجمن ها و فعالیت ها باعث می شود که تعاملات چهره به چهره افزایش یافته و فضای بهتری برای گسترش اعتماد پدید آید.

از طرف دیگر، طبق نتایج، اکثر افراد نسل های مورد تحقیق، ارزیابی پایینی از ویژگی های اخلاقی مثبت در جامعه داشته و در مقابل، اظهار داشته اند که در آینده حتی شاهد رواج و گسترش ویژگی های اخلاقی منفی خواهیم بود. بنابراین با رواج مولفه های اخلاقی دین اسلام، می توان زمینه های اعتماد اجتماعی را فراهم نمود. البته نکته ای که بسیار مهم است اینست که این آموزه ها و تبلیغات و ترویج اصول و قواعد اخلاقی باید با عمل از سوی خود مبلغین همراه باشد. زیرا تا زمانی که مبلغین، خود عامل به احکام نباشند، شاهد فضای تظاهری و شعارگونه در جامعه خواهیم بود. فقط در صورت هماهنگی عمل و آموزه ها است که از یک سو شاهد وجود الگوهای صحیح در جامعه خواهیم بود و از سوی دیگر با تقویت ارزش های دینی، فرهنگی و اخلاقی،

با یکدیگر و در نهایت، رشد، تقویت و تعمیم فرهنگ اعتماد در سطح جامعه خواهد گشود.

مطلب آخر اینکه با توجه به آنچه گفته شد و با وجود تمامی تفاسیر، اعتماد امری مهم و حیاتی در هر جامعه‌ای می‌باشد و وجود آن در جامعه به منزله نوعی مکانیسم خودکنترلی و نظارت اجتماعی بوده و فقدان آن در سطح جامعه بارشده انواع نابهنجاریها و جرائم و نابسامانیها همراه خواهد بود. ازسوی دیگر، نسل‌ها برای اینکه بتوانند با هم تعامل داشته باشند باید وجود فضای اعتماد را در جامعه احساس نمایند. بدیهی است که وجود اعتماد اجتماعی در سطوح مختلف در بین افراد، مشاغل و نهادها، تعامل را در سطح درون نسلی و بین نسلی تسهیل نموده و به ایجاد نظم عمومی کمک خواهد نمود.

منابع

- ۱- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳)، شکاف طبقاتی و انقطاع اجتماعی، در: جوانان و مناسبت نسلی در ایران، تنظیم و گردآوری از محمدعلی محمدی، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۲- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴)، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- پناهی، محمد حسین و فریبا شایگان (۱۳۸۶)، اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۷.
- ۴- توکل، محمد و مریم قاضی نژاد (۱۳۸۵)، بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظریات مانهایم و بوردیو، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷۵، بهار.

رفتار افراد پیش‌بینی پذیرتر شده و قابلیت اعتماد در بین افراد نسل‌ها بیشتر می‌شود و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت خواهد گرفت.

به تعبیر بهتر، با تقویت اجتماع اخلاقی و تعهد عملی به الزام‌های اخلاقی در سطوح بین فردی، بین فرد و نهادها و نیز بین نهادی، فرآیند اعتماد اجتماعی در سطوح اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و نیز اعتماد نسبت به نهادهای اجتماعی و کارگزاران و متولیان این نهادها، قوت لازم را کسب خواهد کرد (ازکیا و غفاری ۱۳۸۰: ۲۸).

طبق نتایج تحقیق حاضر، بین میزان اعتماد اجتماعی، تجربه عینی و تجربه ذهنی، رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نسل دارای تجربه تاریخی از اعتماد تعمیم یافته و برون‌گروهی بیشتری نسبت به کسانی که فاقد این تجربه بوده‌اند، برخوردار است. نکته‌ای که بنظر می‌رسد اینست که از طریق تقویت باورها و تقویت هویت جامعه‌ای که در آن، در مقطعی از زمان افرادی از این نسل‌ها اعتماد برون‌گروهی را تجربه نموده‌اند، می‌توان راه را برای افزایش اعتماد نسل‌ها، بویژه در بین نسل فاقد این تجربه تاریخی (نسل جوان) گشود. بنظر می‌رسد، ایجاد فضای لازم در جامعه برای تعامل هرچه بیشتر در بین نسل‌های مذکور و تسهیل در جهت برقراری گفت‌وگوها و فضای نقد و ارائه روایت‌های هرنسل در تقویت هویت اجتماعی و ملی و احساس تعهد عمومی کمک نماید. در این راستا ایجاد شفافیت در رفتارها و از بین بردن مرزهای خودی و غیر خودی و بهادادن به تک افراد نسل‌ها راه را برای تعامل هرچه بیشتر نسل‌ها

کارشناسی ارشد پژوهشگری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱۷- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، جهان رها شده، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاج عبدالوهاب، تهران، نشر علم و ادب.

۱۸- معیدفر، سعید (۱۳۸۳)، شکاف نسلی یا گسست نسلی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، زمستان، ۵۵-۸۰.

۱۹- پناهی، محمد حسین و فریبا شایگان (۱۳۸۶)، اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۳۷.

۲۰- صدیق سروستانی، رحمت ا. (۱۳۸۲)، نظم بهنجار و رفتار نابهنجار، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره اول.

۲۱- عباس زاده، محمد (۱۳۸۳)، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.

۲۲- عبدالملکی، احمد (۱۳۸۶)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن...، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۵، پیاپی ۵۳.

۲۳- یوسفی، علی (۱۳۷۹) بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران مشهد و یزد، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

24- Dyck.J J (2009), "Initiated distrust: Direct democracy and trust in government," in: American Politics Research, University of Buffalo, The State University of New York, United States, Vol37, Issue 4, July, pp539-568.

25- Inglehart.R (1988), "The Renaissance of Political Culture," in: American Political Science Review, No.4, pp.1203-1230.

۵- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنا تومی جامعه: مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۶- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، اعتماد یک نظریه جامعه شناختی، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز، نشر ستوده.

۷- سیاهپوش، امیر (۱۳۸۷)، فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران، فصلنامه راهبرد فرهنگ (شماره ۳).

۸- صدیق سروستانی، رحمت ا. (۱۳۸۲)، نظم بهنجار و رفتار نابهنجار، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره اول.

۹- عباس زاده، محمد (۱۳۸۳)، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.

۱۰- عبدالملکی، احمد (۱۳۸۶)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن...، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۵، پیاپی ۵۳.

۱۱- غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات گسست نسل ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

۱۲- غلامرضا کاشی و گودرزی (۱۳۸۶)، نقش شکاف انداز تجربیات نسلی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.

۱۳- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

۱۴- کمالی، افسانه (۱۳۸۳)، مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی دردو حوزه فرهنگ و سیاست، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه تهران.

۱۵- گرویر، تردی (۱۳۸۰) اعتماد در بین جوامع انسانی، ترجمه اسماعیل بلالی، نامه پژوهش، شماره ۱۸.

۱۶- گلابی، فاطمه (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر اعتماد بر توسعه با نگاهی به عملکرد شوراها، اسلامی، پایان نامه

- 26- Inglehart.R (1990), "Culture Shift in Advanced Industrial Societies," Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- 27- Mannheim. K (1991), "Ideology and utopia," London: Routledge.
- 28- Newton.K and J. Delhly (2004), "Social Trust: Global Pattern or Nordic Exceptionalism?" Discussion paper for Wissenschaftszentrum Berlin für Sozialforschung (WZB) <http://skylla.wz-berlin.de/pdf/2004/i04-202.pdf>
- 29- Putnam. R (1993), "Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy," Princeton: Princeton University Press
- 30- Sztompka. P (1993a), "The Sociology of Social Change," Oxford: Blackwell.
- 31- Sztompka, P. 1998: "Trust, Distrust and Two Paradoxes of Democracy," in: European Journal of Social Theory 1: 19-32 .
- 32- -Sztompka.P (2001), "Trust: A Cultural Resource" from <http://www.colbud.hu/honesty-trust/sztompka/pub01.doc>
- 33- Uslander Eric M. (2002), "The Moral Foundations of Trust," New York: Cambridge University Press